

منصورى دبير كل حزب اتحاد ملت ايران:

## اصلاح طلبان بايد اقدام به نوسازی گفتمان خود کنند



**سرویس سیاسی** –دبیرکل حزب اتحاد ملت ایران تاکید کرد:

اصلاح‌طلبان ضمن سرمایه گذاری جدی که باید برای احیای پایگاه اجتماعی خود داشته باشند، باید از یک سو دست به نوسازی گفتماني بزنند و از سوی دیگر در حرکت‌های جمعی خود به این نوسازی قائل باشند.

آذر منصوری درباره مطرح شدن امکان مذاکره مستقیم بین ایران و آمریکا از سوی وزیر امورخارجه و این که چقدر امروز نیاز است همان‌طور که اصلاح‌طلبان بارها بیان کرده‌اند به دور از دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی به نفع منافع ملی این گفت‌وگو صورت بگیرد، گفت: وقتی موضوع به منافع ملی کشور پیوند می‌خورد، باید با دید ملی‌نسبست به آن موضع گرفت. این اولین بار نیست که اصلاح‌طلبان چنین واکنش‌هایی را از خود نشان می‌دهند. هر اقدامی که در راستای تقویت منافع ملی ایران و کاهش رنج مردم باشد، از نگاه ما اقدامی اصلاح‌طلبانه است.

وی یادآور شد: در دولت گذشته هم بارها تاکید کردیم که مسائلی مانند برجام و FATF به منافع ملی کشور گره خورده است و به کسانی که مدعی انقلابی‌گری هستند و نگذاشتند FATF به سرانجام برسد و یا برجام را پاره کردند و یا آتش ززند مکرر توصیه کردیم که اینها را در پیوند با منافع و مصالح ملی ببینید و به آنها به دید رقیب سیاسی خود نگاه نکنید.

اگر چنین می‌کردند طبعاً امروز با این تعارض و رفتارهای متناقض روبرو نمی‌شدند.

دبیر کل حزب اتحاد ملتست ایران تاکید کرد: هر شخصی که ادعای واقع‌بینی دارد و به دنبال اصلاح شیوه حکمرانی و خیر مردم در کشور است می‌داند که سیاست خارجی در امتداد سیاست داخلی است و در جهان امروز بدون تعامل و تبادل نمی‌توان اقتصاد کشور را سامان بخشید و رنج مردم را کاهش داد. به همین دلیل معتقدیم سیاست خارجی باید در ریل مناسب خود قرار گیرد.

وی با اشاره به این که اینکه در دوران پسا جنگ سرد هیچ کشوری دوست دائم و هیچ کشوری دشمن دائم کشور دیگری محسوب نمی‌شود، عنوان کرد: در چارچوب منافع ملی باید از همه ظرفیت‌های کشورهای همسایه، منطقه و جهان برای تقویت منافع ملی کشور استفاده کرد.

بحث مذاکره مستقیم با آمریکا در این ساحت اتفاق‌اناش از واقع‌بینی در سیاست خارجی کشور است.

بخصوص وقتی طرف اصلی تحریم‌ها علیه ایران آمریکاست و او بوده که از توافق برجام خارج شده و رئیس جمهور فعلی اش اعلام کرده که سخاوان بازگشت به برجام و مذاکره است، ایران می‌تواند از موضع بالا وارد این مذاکرات شود.

منصوری تاکید کرد: به این مذاکرات هم نمی‌شود به عنوان یک پروژه موقت نگاه کرد، چرا که مسئله اصلی بحث شورای امنیت است و نباید اجازه دهم پرونده ایران بار دیگر به شورای امنیت ارجاع شو.

این فرصت تا قبل از به قدرت رسیدن مجاهد جمهوری خواهان باید حل و فصل شود و باز به همین دلیل باید به جای رفتن سراغ واسطه‌هایی که بدون تردید به اقدامشان ذیل منافع ملی خودشان تعریف می‌شود و چه بسا با کارت ایران بازی می‌کنند، مستقیم وارد مذاکره با آمریکا شد.

منصوری بیان کرد: همه هم و غم دستگاه دیپلماسی کشور باید حل و فصل هر چه سریعتر تحریم‌ها باشد و موضوع FATF نیز باید هر چه سریعتر تکلیفیش در مجمع تشخیص مصلحت نظام حل و فصل شود، بدون حل و فصل FATF و صرفاً رف تحریم‌ها مشکل تسادد مالی و تجاری ما بسا دنیا همچنان به‌سوء قوت خود باقی خواهد ماند.

وی درخصوص فعالیت‌های جریان اصلاحات و در پاسخ به این سوال که بزرگان جریان اصلاحات برای بازگرداندن سرمایه اجتماعی‌چه باید انجام دهند و اصلاح‌طلبان چگونه باید نشان دهند که به فکر منافع ملی هستند نه حزبی و جریانی، گفت: این پرسش اصلی است که موضوع گفت‌وگوی امروز اصلاح طلبان است.

در واقع سوال این مطرح است که با توجه به امتناع سیاست‌ورزی اصلاح طلبانه اصلاح طلبان چگونه می‌خواهند سیاست ورزی کنند؟در دیدگاه به نظرم در مجموع وجود دارد، دیدگاه اول اینکه اصلاح‌طلبان ضمن سرمایه گذاری جدی که باید برای احیای پایگاه اجتماعی خود داشته باشند، باید از یک سو دست به نوسازی گفتماني بزنند و از سوی دیگر در حرکت‌های جمعی خود نیز باید به این نوسازی قائل باشند.

دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران یادآور شد: عملکرد نهاد جمعی اصلاح طلبان در دو انتخابات قبل نشان داد که به دلیل شکل گرفتن دو تحلیل متفاوت نمی‌توانند سر جدی‌ترین و اصلی‌ترین مأموریت خود که انتخابات است به یک تصمیم واحد برسند.

بعمد از انتخابات ۱۴۰۰ هم این دو تحلیل متفاوت وجود دارد و طبیعی است اگر تفاهم و توافقی در این زمینه شکل نگیرد اتفاقی که در دو انتخابات گذشته افتاد در انتخابات ۱۴۰۲ هم خواهد افتاد. امروز هم این گفت‌وگو‌ها ادامه دارد و هنوز به جمع بندی مشخصی نرسیده است.

وی افزود: اما مسا به عنوان حزب اتحاد ضمن تلاش برای نوسسازی گفتماني و برنامه ریزی برای ارتباط بیشتر به گروه‌های اجتماعی طبق خط مشی مصوب حزب در صورتی در انتخابات بعدی کاندیدا خواهیم داشت که انتخابات معنا و مفهوم پیدا کند.

منصوری ادامه داد: با روند حذفی که شورای نگهبان در انتخابات آن رادر ۹۸ و ۱۴۰۰اوج خود رساند، حداقل‌هایی از رقابت معنا دار هم در انتخابات وجود ندارد و اساسا به نظر می‌آید مشارکت حداکتری هم از دستور کار خارج شده است، امتناع سیاست‌ورزی انتخابات محور بر امکان آن غلبه بیشتری پیدا کرده است.

این به معنی عدم استفاده از فرصت انتخابات نیست اما طبعاً وقتی چنین رویکردی در انتخابات بعد هم از جانب حاکمیت غلبه داشته باشد، نه رقابتی شکل خواهد گرفت و به طبع آن نه مشارکت حداکتری تحقق پیدا خواهد کرد.

در چنین شرایطی و با توجه به آنچه در انتخابات ۱۴۰۰ حادث شد، هر چه‌راهی هم برای انتخابات ساخته نشود، از فیلتر شورای نگهبان عبور نخواهد کرد.

بنابراین باید در نظر داشتن این واقعیات باید چشم انداز پیش رو را ترسیم کرد. ما در حزب در حال بحث و گفتگو هستیم و همچنان هم تاکید داریم که نهاد جمعی اصلاحات هم پیش از هر اقدامی باید تکلیف این مسائل را روشن کند.

**ساحل خواری زخم کهنه دریاها؛**

# گزارشی از روند اجرای مأموریت رئیس جمهور

# برای آزادسازی منابع ملی

■ **دستور قاطع رئیس جمهور به ارکان قوه مجریه برای پایان دادن به معضل کهنه ساحل خواری، آغاز مأموریت دشوار و مهم دولت‌مدران در مبارزه با ویژه‌خواری و آزادسازی منابع ملی به نفع مردم است که قاطعیت و تداوم آن نقش مؤثری در تحقق برنامه‌های عدالت‌خواهانه دولت مردم خواهد داشت.**



**واقعیت جامعه حکایت از تلخ‌کامی و گلابه‌مندی مردمان ویژه‌خواری در حوزه‌های مختلف به ویژه از منابعی بود که به تکت‌کت‌ار اینان تعلق داشت؛ این گلابه‌مندی و نارضایتی در سفرهای مختلف آن سوی خود مردم در گزارش‌های دفتر بازرسی به‌صورت ملموس به رئیس‌جمهور منتقل‌شود نتیجه آن دستور قاطع آیت‌الله رئیسی در آغاز مبارز ویژه‌خواری در دولت بود.**

آیت‌الله رئیسی برای حرکت منسجم تر و جدی‌تری در امر مبارزه با فساد و برخورد با کانون‌ها و بسترهای فسادزاد در آبان ماه سال جاری با احیای جایگاه مهم

بازرس ویژه رئیس‌جمهور پس از ۸سال رخوت و رکود، حجت‌الاسلام والمسلمین درویشیان‌را به‌عنوان نماینده خود در امر مبارزه با فساد منصوب و او را مأمور پیگیری اجرای نقشه‌ملی پیشگیری و مقابله با فساد اداری و اقتصادی و ارتقاء سلامت نظام اداری در دستگاه‌های دولتی و نظارت بر عملکرد آنان در این راه، شناسایی گلوگاه‌ها و عوامل بروز فساد و آسیب‌شناسی آنها و نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و جلوگیری از تعارض منافع، پیگیری تحقق شفافیت اقتصادی و تسهیل گزارشگران فساد و حمایت از آنها و استفاده از ظرفیت‌های مردمی در پیشگیری و مقابله با فساد، تلاش برای حذف دیوان‌سالاری زائد و فسادخیز اداری و تسهیل صدور مجوزهای قانونی، بازرسی در موضوعات، فرآیندها و مسایل اجرایی رئیس‌جمهور و پیگیری اصلاح روندها و بسترهای فسادزاد در لایه‌های مختلف دولت و ایجاد مقدمات و اقدام برای پیشگیری، کشف و برخورد قاطع با مفاسد اقتصادی کرد؛ مأموریت‌هایی که در فرمان ۸ ماده‌ای مقام معظم رهبری برای مبارزه با فساد و منشور ۱۲ ماده‌ای دولت بر آنها تأکید شده است.

واقعیت جامعه حکایت از تلخ‌کامی و گلابه‌مندی مردم از ویژه‌خواری در حوزه‌های مختلف به ویژه از منابعی بود که به تکت‌تک ایرانیان تعلق داشت؛ این گلابه‌مندی و نارضایتی در سفرهای مختلف از سوی خود مردم و در گزارش‌های دفتر بازرسی به‌صورت ملموس به رئیس‌جمهور منتقل شد و نتیجه آن دستور قاطع آیت‌الله رئیسی در آغاز مبارزه با ویژه‌خواری در دولت بود.

**ساحل خواری زخم کهنه دریاها**

در سفر اخیر رئیس‌جمهور به استان گیلان یکی بر جست‌ترین موضوعات مورد توجه، ساحلی بود که گروه‌هایی خاص آن را تصرف و امکان استفاده مردم از آن را از بین بردند؛ این ساحل طبیعی و آب‌وخیزداری گیلان، ۴۲ کیلومتر از سوی‌ساحل این استان در اختیار دستگاه‌های مختلف دولتی و اشخاص است و در مجموع ۱۵ درصد از ساحل گیلان در اختیار دستگاه‌ها و اشخاص قرار دارد که ۱۱ درصد آن در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و ۴ درصد آن نیز در اختیار اشخاص است. در این قانون مصوب آزادسازی ساحل در سال ۸۶ حریم دریا را ۶۰متر تعیین کرده و بر همین اساس هیچ گروه، سلسل‌زمان یا شخصی حق ندارد در فاصله ۶۰متری از دریا تصرفی داشته باشد. اما آمارها نشان می‌دهد بیش از یک هزار هکتار از ساحل شمال ایران در تصرف فرآقانونی قرار دارد و این موضوعی است که آیزر در سفر به گیلان مورد توجه رئیس‌جمهور قرار گرفت. دستور آیت‌الله رئیسی در این زمینه قاطع بود: هیچ دستگاه دولتی حق ندارد ساحلی که باید در اختیار عموم مردم باشد و اشغال کند؛ باید به این میزان که قانون در نظر گرفته، عقب‌نشینی را انجام دهد.»

مکتوب هم به دستگاه‌های اجرایی رسید و رئیس‌جمهور در دستوری فوری و بدون استثناء که از سوی «غلامحسین اسماعیلی» رئیس دفتر وی به اعضای هیأت دولت ابلاغ شد، تأکید کرد «همه دستگاه‌های دولتی موظفند نسبت به آزادسازی مناطق ساحلی تصرف‌شده ت‌امرز قانونی (حداقل ۶۰متر از ساحل) اقدام کنند.» در ادامه این ابلاغیه تأکید شده که «با فوریت و طرف حاکمتر ۲۰ روز هر یک از دستگاه‌های دولتی که تصرفاتی در مناطق ساحلی دارند، اقدام لازم و معمول و نتیجه را برای استحضار به دفتر رئیس‌جمهور اعلام کنند.» دستوری که با تأکید مضاعف رئیس‌جمهور برای پیگیری جدی موضوع از سوی سید صولت مرثوی معاون اجرایی رئیس‌جمهور و سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری و حجت‌الاسلام درویشیان رئیس دفتر بازرسی و نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امر مبارزه با فساد همراه بود که بر اساس برخی شنیده‌ها از اختیارات ویژه‌ای نیز برای برخورد قاطع با مدیران و

### سیاسی

سه شنبه ۱۲ بهمن ۲۹،۱۴۰۰ جمادی الثانی ۱۰،۱۴۴۳ فوریه ۲۰۲۲، شماره ۳۹۰۷، صفحه ۷

**عمادالدین باقی فعال حقوق بشر:**

## تجمعات باعث شناسایی ضعف‌های مدیریتی و مدیران نالایق می‌شوند



**سرویس سیاسی** – یک فعال حقوق

بشر گفت: تکرار و توسعه تجمعات هیچ خطری ندارد بلکه باعث شناسایی معایب، ضعف‌های مدیریتی و مدیران نالایق می‌شوند که بعد از آن باعث واکنسته کردن کشور و حتی نظام سیاسی در برابر آفت‌ها می‌شود. عمادالدین باقی درباره افزایش تجمعات مردمی به خاطر مسائل معیشتی گفت: این که تجمعات و اعتراضات به خاطر مسائل معیشتی بیشتر شده حرف درستی است، اما از یک منظر دیگر می‌توان

گفت این تجمعات خیلی کمتر از آن چیزی است که در دیگر جوامع رخ می‌دهد. در جوامع دموکراتیک وقتی یکی سنت به نرخ بنزین اضافه شود با یک درصد تورم بالا پرود غوغا به پا می‌شود، اما در اینجا با توجه به جهش قیمت‌ها و شکاف بیشتر بین درآمد‌ها و هزینه‌ها، نرخ اعتراضات به مراتب کمتر است به دلیل اینکه ریسک بالاست. البته کسانی هستند که معتقدند با بالا بردن ریسک، از تجمعات پیشگیری کنند. اما چنانکه حدود ۱۷-۱۸ سال پیش در کتاب «تولد یک انقلاب» هم گفته: این که چون ریسک عمل بالا برود و طبقه محروم قادر نیست هزینه لازم را بپردازد و اگر یک روز کار نکند نان برای خوردن ندارد، لذا محافظه کار می‌شود ظاهراً سر درست است اما درنگی دوباره نشان می‌دهد که محرومین چیزی ندارند که از دست بدهند و بخاطر حفظ آن محافظه کاری کنند.

وی در ادامه افزود: این طبقه با بدترین شرایط خود کرده و آسان‌تر از دیگران می‌تواند به زندگی ادامه دهد. انسان هنگامی که به حدی رسید که دچار گرسنگی

شد همه چیز را زیر پا می‌گذارد و حتی ترجیح می‌دهد مرگ خودش را با تهاجم به عوامل گرسنگی خویش انتخاب کند. بنابراین افزایش تجمعات با آن معیشتی امری طبیعی و گریز‌ناپذیر است ولی مهم این است که حکومت با آن چگونه روبرو شود. اگر به مشکل توجه کند و برای رفع آن بکوشد این اعتراضات راه به سود ساختار هدایت می‌کند و اگر با توهم توطئه و خشن آن روبرو شود تهدید را بزرگتر می‌کند.

این فعال حقوق بشر در پاسخ به این سوال که ریشه تجمعات به فرهنگ سیاسی مردم یا رفتار مسئولان برمی‌گردد هم گفت: همانگونه که گفته تجمعات اعتراضی امری طبیعی هستند و ریشه آنها نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی است اما فقدان نهادهای مدنی می‌تواند این‌ها به تهدید بدل کند. نهادهای مدنی در همه جوامع نقش حائل میان اعتراضات و ساختار سیاسی را دارند. حکومت با گروه معین و شناسنامه داری طرف است و مذاکره می‌کند و راه حل می‌جوید ولی اگر چنین سندی‌کاها و اتحادیه‌های صنفی نباشند و با وجود داشته باشند ولی حکومت با آنها سرنا سازگاری داشته و به رسمیت نشناسد، اعتراضات تبدیل به شورش‌های کور می‌شوند و احتمال اینکه ایجاد تخریبی پیدا کنند و مستقیماً متوجه موجودیت ساختار شوند بیشتر است و در این صورت مقصر اصلی خود حاکمیت است که نهادهای حائل را از بین برده است.

عماد باقی درباره اینکه چرا در برخی مواقع این تجمعات به فاز امنیتی و خشونت کشیده می‌شود؟ گفت: در یک بیان کلی می‌توان گفت که به دلیل ناهماهینه نشدن قانون و دموکراسی، ولی این ناهماهینه نشدن هم ریشه‌ها و عللی دارد. آنچه در طول چهل سال گذشته وجود داشته این است که به محض افزایش تجمعات، حکومت دچار نگرانی می‌شود و حتی اگر تجمع مسالمت آمیز باشد به هر قیمتی می‌خواهد آن را مهار کند. حکومت نگران است که سطح مطالبات فراتر از کرده و غیر قابل کنترل شوند و موجودیت نظام را به خطر بیندازند لذا اگر از طریق به خشونت کشیده شدن تجمعات، مستمسک کافی برای مقابله با آن پیدا کند، چنین خواهد کرد.

باقی در پاسخ به این سوال که چرا تا به حال تجمع مسالمت آمیز در کشور جا نیافته گفت: دو دیدگاه استراتژیک در تعارض‌اند و باید این تعارض را حل کند. در «دیدگاه امنیتی» تجمعات، تأکید به شمار می‌روند و باید با آن مقابله کرد اما در «دیدگاه مدنی» حقوقی و جامعه‌شناسانه، این تجمعات تنها تهدید به شمار نمی‌روند بلکه برعکس چند کارکرد اساسی دارند: ۱- تخلیه‌کننده خشم و نارضایتی هستند ۲- احساس امنیت و آزادی ایجاد می‌کنند و جامعه احساس می‌کند وقتی قدرت عرض اندام به شیوه مدنی و مسالمت آمیز دارد از شیوه‌های خشونت‌ناز نباید استفاده کند. ۳- تریب‌ترین کارکردش این است که این تجمعات معمولاً ناقص و معایب سیستم مدیریتی و ناکارکردی‌ها و کژکارکردی‌های سیستم‌اداری- اقتصادی را نمایش می‌دهد و حکومت را ایبار و متوجه می‌کند که از کدام خرفه‌های آسیب‌پذیر ضربه می‌خورد و از پای در می‌آید؟ و با همانجا کار ترمیم کند. مانند شاه لوله‌هایی که وقتی جایی می‌ترک، باید لوله را از بین ببرد بلکه نقطه آسیب‌پذیر را ترمیم می‌کنند. امروزه در دوره‌های شاه‌لوله‌ها در طول صدها کیلومتر مسافت سوراخ‌های کار می‌گذارند که نقاط ضعف و آسیب‌دیده یا حتی آسیب‌پذیر را پیشاپیش اطلاع دهد. نهادهای مدنی همان سنسورها هستند. بی‌توجهی به این سنسورها موجب بحران و اعتراضات می‌شود و حکومت از پیامدهای فقدان این ضعف‌ها بی‌تفکری و آسیب‌نااطقم می‌شود. او تصریح کرد: ممکن است دیدگاه امنیتی قائل به سبقتفکری باشد و آن اینکه سرویس‌های امنیتی و جریانات برانداز در پوشش تجمعات قانونی در پی اهداف دیگری هستند و کارهای دیگری را ساماندهی می‌کنند. بنابراین باید میان آنها و تجمعات مستقل تفکیک قائل شد این دخلغه درست و به جایی است اما اگر اصل تجمعات آزاد در «دیدگاه مدنی» حقوقی و جامعه‌شناسانه» پذیرفته‌شود، حتی همین تجمعات با سوء نیت هم بی‌انگیز یک نقطه ضعف و خفراهی است که باید شناسایی شود. در فضای آزادی تجمعات است که این تفکیک‌ها و شناخت تفاوت‌ها امکان‌پذیر خواهد شد. بنابراین مشکل بزرگ موجود، تقابل این دو دیدگاه است. وی ادامه داد: بهترین اتفاق این است که دیدگاه امنیتی بتواند با دیدگاه مدیریتی، جامعه شناسانه و حقوقی نزدیک شده و به حقایق قابل، سنتی و رایج ایجاد کند و هم اصل ۲۷ قانون اساسی محقق شود.هم تجمعات به منبع نیروبخشی بدل شوند. تجمعات مانند جریان سیل است که اگر مسیرل‌ها را تعبیه‌و اول سیل را درست هدایت کردید تبدیل به منبع تولید انرژی می‌شود و خدمات و منافع بی‌شمار دارد اما اگر نتوانید آن را مدیریت کنید و بخوابید یا با آن مقابله کنید تبدیل به خطر خواهد شد. این دو دیدگاه

که عرض کردم، تکرار و توسعه تجمعات را هیچ خطری نمی‌داند و معتقدم باعث شناسایی معایب، ضعف‌های مدیریتی و مدیران نالایق می‌شوند و برآیند نهایی‌اش واکنسته کردن کشور و حتی نظام سیاسی در برابر آفت‌ها است. باقی گفت: جالب است که واضعان قانون اساسی این کشور به خوبی فهمیده بودند و کسی مثل شیخ محمد بزوی در مجلس خبرگان می‌گفت اگر در تجمعات حتی علیه خدا شورش کنند ایرادی ندارد مگر اینکه به قیام عملی برای بردن انداختن حکومت باشد که در کشورهای دموکراتیک هم حرم است. حتی می‌گفتند ممانعت از تجمعات به بهانه توطئه‌نادرست است. حتی فردی مثل جلال‌الدین فارسی در مخالفت با اینکه قید کنند راهبیمانی به شرط نیروی امنیتی برای توطئه‌ناشد معتقد بود این بهانه می‌شود برای جلوگیری از حق تجمع و می‌گوید: همه می‌دانیم که هیچ توطئه‌ای در دنیا از طریق راهبیمانی صورت نگرفته است. توطئه یعنی مقدمه چینی برای یک کاری که به طور سری و مخفی می‌خواهد انجام شود. البته این بحث، متفاوت از بحث درباره حکومت جور است. از نظر حقوق‌طلبان و فقهی، اگر حکومتی پیمانش را با مردم نقض کند و باطل به جور شود همه قیام‌فهیای آن را واجب دانسته‌اند حتی اگر حاکم آن فقیه باشد و امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه می‌گوید اصلاً ولی فقیه‌اگر ظلم کند خود به خود معزول است. بنابراین حکومتی که حداقل قواعد دموکراتیک و مشروعیت بخش را رعایت کند شرایط متفاوتی دارد. این فعال حقوق بشر درباره رهاکار برگزاری درستی تجمعات مردمی که به عنوان ابزار شنشگری مطرح شود، گفت: رهاکار در قانون اساسی و قوانین عادی مشخص شده و حتی در آیین‌نامه تشکیل‌ها آمده که می‌توانند در اعتراض به تصمیمات و اقداماتی که نادرست می‌انند، بیانیه دهند و تظاهرات کنند. اما برای هنجارمند ساختن آن باید به نهادهای مدنی شناسنامه دار اعتماد کند و به جای اینکه نیروی امنیتی مانع از برخی اقدامات شود و درگیری به برآورد آید و پیامدهای منفی داشته باشد، خود تجمعات، مانع از گزار کننده تجمع، معتمد شوند که مانع اقدامات خلاف قانون شوند. کاری که در همه دنیاینهادهای مدنی، سندی‌کاها و اتحادیه‌ها با هماهنگی وزارت کشور انجام می‌دهند.

# صنایع چوب - حلاج کیش

**کلید سفارشات**
**تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲**
**MDF، چوبی**
**دکوراسیون غرفه و منزل**